



سنگ‌نگاره‌های شمال غرب ایران: معرفی، گونه‌شناسی، گاه‌نگاری

زهرا الماسی پیمان^۱، حسن درخشی^۲✉، حمیدرضا قربانی^۳، حسین علیزاده^۴

۱ دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گروه تاریخ و باستان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. zahra.almasipeyman@iau.ac.ir

۲ استادیار گروه باستان‌شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران. نویسنده مسئول: derakhshi_h@iau.ac.ir

۳ دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران. hr.ghorbani@iau.ac.ir

۴ استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد میانه، دانشگاه آزاد اسلامی، میانه، ایران. alizadeh2670@iau.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ‌ها دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۷	سنگ‌نگاره‌ها یکی از بارزترین آثار فرهنگی انسان محسوب می‌شوند. این آثار در برخی از مناطق جهان در گونه‌های مختلف ایجاد شده‌اند. در ایران نیز شماری محوطه واجد هنر صخره‌ای تاکنون، شناسایی و معرفی شده است. منطقه شمال غرب ایران که در تقسیمات جغرافیایی بیشتر بانام آذربایجان شناخته می‌شود یکی از کانون‌های اصلی هنر مذکور محسوب می‌شود. در این منطقه تاکنون شماری نقوش صخره‌ای شناسایی شده است. در پژوهش حاضر که به روش مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است: ۱- سنگ‌نگاره‌های شمال غرب ایران از نظر سبک و صحنه‌ها در چند گونه قابل دسته‌بندی است؟ ۲- سنگ‌نگاره‌های مورد بحث از نظر گاه‌نگاری شامل کدام دوره(ها) است؟ نتایج پژوهش مشخص نمود که سنگ‌نگاره‌های منطقه شمال غرب ایران از نظر سبک به دو شیوه کوبشی و خراش ایجاد شده‌اند. صحنه‌های شامل تقشمايه انسانی، حیوانی و هندسی و نمادین بوده که در بازه زمانی پسانوسنگی تا اسلامی متأخر است. هرچند به نظر می‌رسد بیشتر این نگاره‌ها مربوط به هزاره دوم و اول ق.م باشد.
واژگان کلیدی شمال غرب ایران سنگ‌نگاره گونه‌شناسی گاه‌نگاری تفسیر	

استناد: الماسی پیمان، زهرا، درخشی، حسن، قربانی، حمیدرضا، علیزاده، حسین (۱۴۰۴). سنگ‌نگاره‌های شمال غرب ایران: معرفی، گونه‌شناسی، گاه‌نگاری. باستان‌شناسی ایران، ۱۵ (۲)، ۴۱-۵۳.

<https://doi.org/10.82101/AOI.2026.1217195>

© ۱۴۰۴ (۲۰۲۶) نویسندگان مقاله، نشریه باستان‌شناسی ایران، مجله دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر.



Petroglyphs of Northwestern Iran: Introduction, Typology, and Chronology

Zahra Almasi Peyman¹, Hassan Derakhshi^{2✉}, Hamid Reza Ghorbani³, Hossein Alizadeh⁴

1. PhD Candidate in Archaeology, Department of History and Archaeology, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

zahra.almasipeyman@iau.ir

2. Assistant Professor, Department of Archaeology, Sho.C., Islamic Azad University, Shushtar, Iran. Corresponding author:

derakhshi_h@iau.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Archaeology, Isfahan University of Art, Isfahan, Iran. hr.ghorbani@iau.ac.ir

4. Assistant Professor, Department of Archaeology, Mi.C., Islamic Azad University, Miyaneh, Iran. alizadeh2670@iau.ac.ir

Article Info

History

Received: September 07, 2025

Accepted: October 19, 2025

Keywords

Northwest Iran

Petroglyphs

Typology

Chronology

Interpretation

Abstract

Petroglyphs are considered among the most valuable cultural remains of humankind. These works have been created in various forms across different regions of the world. In Iran, a number of sites containing rock art have so far been identified and introduced. The northwestern region of Iran—known in geographical divisions primarily as Azerbaijan—is regarded as one of the main centers of this form of art, where numerous petroglyphs have been documented to date. The present study, conducted through field investigations and library research and employing a descriptive–analytical approach, seeks to answer the following questions: (1) into how many categories can the petroglyphs of northwestern Iran be classified in terms of style and depicted scenes? and (2) from a chronological perspective, which period(s) do the petroglyphs under discussion belong to? The results of the study indicate that the petroglyphs of northwestern Iran were produced using two main techniques: pecking and incising. The depicted scenes include human, animal, geometric, and symbolic motifs, spanning a chronological range from the post-Neolithic period to the Late Islamic era. Nevertheless, it appears that the majority of these petroglyphs date to the second and first millennia BCE.

Citation: Almasi Peyman, Z., Derakhshi, H., Ghorbani, H. R., & Alizadeh, H. (2026). Petroglyphs of Northwestern Iran: Introduction, Typology, and Chronology. *Archaeology of Iran*, 15(2), 41-53.

<https://doi.org/10.82101/AOI.2026.1217195>

© 2026 Authors, *Archaeology of Iran*, Journal of Islamic Azad University, Shushtar Branch.

مقدمه

سنگ‌نگاره یا نقوش صخره‌ای به عنوان یکی از دستاوردهای مهم جوامع بشری در طول تاریخ بوده است. این آثار، سندهای دست اولی هستند که نمادی از هویت تاریخی هر دیار و منطقه بوده و یکی از کهن‌ترین آثار هنری و تاریخی به جامانده از گذشتگان برای نسل آینده است. این سنگ‌نگاره‌ها اسرار کشف نشده فراوانی در دل خود دارند. به طور کلی سنگ‌نگاره یا نقوش صخره‌ای به عنوان یکی از دستاوردهای مهم جوامع بشری در طول تاریخ بوده است. در بسیاری از جوامع، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، هنر مذکور به عنوان ابزاری برای بیان آیین‌ها و مذاهب یک فرهنگ (Gillette et al., 1: 2014) و افکار و اعتقادات (شیخ‌اکبری زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹۶)، به کار گرفته شده‌اند. در مناطق مختلف ایران تاکنون شماری سنگ‌نگاره کشف، شناسایی و معرفی شده که در این میان سهم منطقه شمال غرب ایران با داشتن جامعه آماری بیش از ۲۱ محوطه شناسایی شده به عنوان یکی از کانون‌های مهم محسوب می‌شود (درختی و ستارنژاد، ۱۴۰۲: ۲۰۰). اما برخلاف غنای فرهنگی مطالعات منسجم باستان‌شناسی در این رابطه انجام نشده و همین عامل سبب گردیده است تا سنگ‌نگاره‌های این منطقه به درستی مورد پژوهش قرار نگیرند. به طوری که در برخی مطالعات گاه‌نگاری این نگاره‌ها را از دوران پسانوسنگی تا اسلامی (آجورلو و همکاران، ۱۴۰۲)، یا پیش از تاریخ تا اسلامی (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۹) در نظر گرفته‌اند. همچنین عدم انجام مطالعات گونه‌شناسی و طبقه‌بندی سبک‌شناختی و فرمی موضوعات و نحوه طراحی نگاره‌ها نیز یکی دیگر از ضعف و کاستی‌های مطالعات پیشین محسوب می‌شود. در پژوهش حاضر تلاش شد تا با تکیه بر روش میدانی و کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود. ۱- سنگ‌نگاره‌های منطقه شمال غرب ایران از نظر سبک و صحنه‌ها به چند گونه قابل دسته‌بندی است؟ ۲- سنگ‌نگاره‌های مورد بحث از نظر گاه‌نگاری شامل کدام دوره(ها) است؟ آنچه در این پژوهش حائز اهمیت است جمع‌آوری اطلاعات ضروری در باره سنگ‌نگاره‌های

شمال غرب ایران و ارائه گاه‌نگاری و طبقه‌بندی و گونه‌شناسی است تا مقدمه‌ای برای مطالعات منسجم علمی آینده فراهم شود.

پیشینه پژوهش

پیشینه مطالعات هنر صخره‌ای شمال غرب ایران عموماً به مطالعات پژوهشگران ایرانی مربوط می‌شود. هرچند شاید برخی از پژوهشگران غیر ایرانی نیز در مطالعات خود از این آثار بازدید کرده‌اند. اما آنچه تاکنون منتشر شده نخستین گام در رابطه با این هنر توسط رفیع‌فر در دهه ۸۰ شمسی برداشته شد. پس از آن به خصوص در سال‌های اخیر روند مطالعات سنگ‌نگاره در منطقه شمال غرب ایران افزایش یافته و به تبع آن محوطه‌های جدید کشف و شناسایی شده است. تاکنون در ۲۱ محوطه آثار هنر صخره‌ای یافت شده که سهم شهرستان مشگین‌شهر نسبت به سایر مناطق بیشتر است. با نگاهی به مطالعات انجام شده آنچه جالب توجه است در برخی موارد محوطه‌ای توسط چندین پژوهشگر مورد مطالعه قرار گرفته که بعضاً به مطالعات پیشین هیچ استناد نکرده‌اند! مانند محوطه عقربلو که توسط علی بیننده (2016)، اسماعیل معروفی اقدم (۱۳۹۷) برای نخستین بار معرفی گردید. این محوطه مجدد توسط صلاح سلیمی و همکاران (۱۳۹۷) مورد مطالعه قرار گرفت که در این مطالعات به پژوهش‌های پیشین (معروفی اقدم و همکاران، ۱۳۹۷؛ Marufi Aghdam et al., 2021) اشاره‌ای نکرده‌اند! چنین رویه در مطالعات سایر محوطه‌ها مانند محوطه دوه‌دره‌سی هوراند نیز دیده می‌شود. مطالعات این محوطه نخستین بار توسط ستارنژاد و همکاران (۱۳۹۹)، چاپ شد که محوطه بعدها توسط بهرام آجورلو و همکاران (۱۴۰۲) مورد مطالعه قرار گرفت که در مطالعات اخیر به یافته‌های پیشین هیچ اشاره‌ای نکرده‌اند! عدم اشاره به نتایج مطالعات پیشین یکی از ضعف و کاستی‌های پژوهش‌ها محسوب می‌شود که به نظر می‌رسد پژوهشگران در تلاش هستند تا این نتایج را به نام خود منتشر کنند. در هر حال مطالعات مربوط به سنگ‌نگاره در منطقه شمال غرب ایران از جنبه‌های مختلف

کوه مرتفع و پوشیده از برف آرات از شمال غرب، رشته‌های پراکنده و نامنظم ارسباران (قره‌داغ) و قوشاداغ و سبلان از شمال شرق و قافلانکوه از مشرق و جنوب شرق و رشته کوه سهند از جنوب و دریاچه ارومیه، در بر گرفته‌اند. آذربایجان ایران از فلات بلندی تشکیل شده و ارتفاعات اصلی آن را آتشفشان‌های خاموش سهند و سبلان و کوه‌های ارسباران و قافلانکوه تشکیل می‌دهد. پدیده‌ی مهم جغرافیایی آذربایجان وجود کوهستان است. در حدود ۸۰ درصد از پهنای آذربایجان را کوهستان و کوه‌ها بوجود آورده‌اند. ارتفاع متوسط فلات آذربایجان ۱۸۰۰ متر است. به طور کلی این منطقه متشکل از دو ناحیه کوهستانی و دشتی می‌باشد که دشت‌های معروف مراغه، بناب، تبریز از جمله مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود. در مناطق پای کوهی شمال غرب ایران به خصوص در شهرستان‌های مشگین‌شهر، اهر، هوراند، ورزقان، جلفا، مراغه، مهاباد، شاهین‌دژ شماری محوطه واجد نقوش صخره‌ای یافت شده است (شکل ۱).

سنگ‌نگاره‌های شمال غرب ایران

منظور از شمال غرب ایران در مقاله حاضر شامل استان‌های آذربایجان غربی و شرقی و اردبیل است. در این منطقه شماری محوطه واجد نقوش صخره‌ای تاکنون شناسایی شده است. در این میان سهم شهرستان مشگین‌شهر نسبت به سایر مناطق نسبتاً بیشتر است. در پرتوی فعالیت‌های باستان‌شناسی منطقه شمال غرب ایران تاکنون در شهرستان‌های مشگین‌شهر (شیخ مدی، شهریری، مشیران، داش، قوناق قیران، چاخیرچیم، قلعه جوق، گیلر محمد حسن، ملالو، اهر (دوزداغی)، هوراند (دوه دره‌سی، او دره‌سی، گوتانلو، لیکلان، زر دره‌سی)، ورزقان (قوشا داش)، مراغه، شاهین‌دژ (عقربلو)، جلفا (کچی قالاسی)، مهاباد (خره هنجیران) شماری نقوش صخره‌ای کشف و شناسایی و معرفی شده است (شکل ۲). سنگ‌نگاره‌های معرفی شده عموماً از نظر زیست‌محیطی و جغرافیایی مناطق کوهستانی و پای‌کوهی هستند که در مجاورت منابع آبی قرار دارند. مانند آنچه در نواسر یا مشیران به وضوح می‌توان مشاهده کرد. در

با کاستی و ضعف همراه است که نیازمند توجه به مباحث علمی و یافته‌های باستان‌شناختی منسجم برای دست‌یابی به نتایج قابل قبول است. در هر حال تاکنون شماری مطالعات مربوط به نقوش صخره‌ای شمال غرب ایران منتشر شده است (جدول ۱).

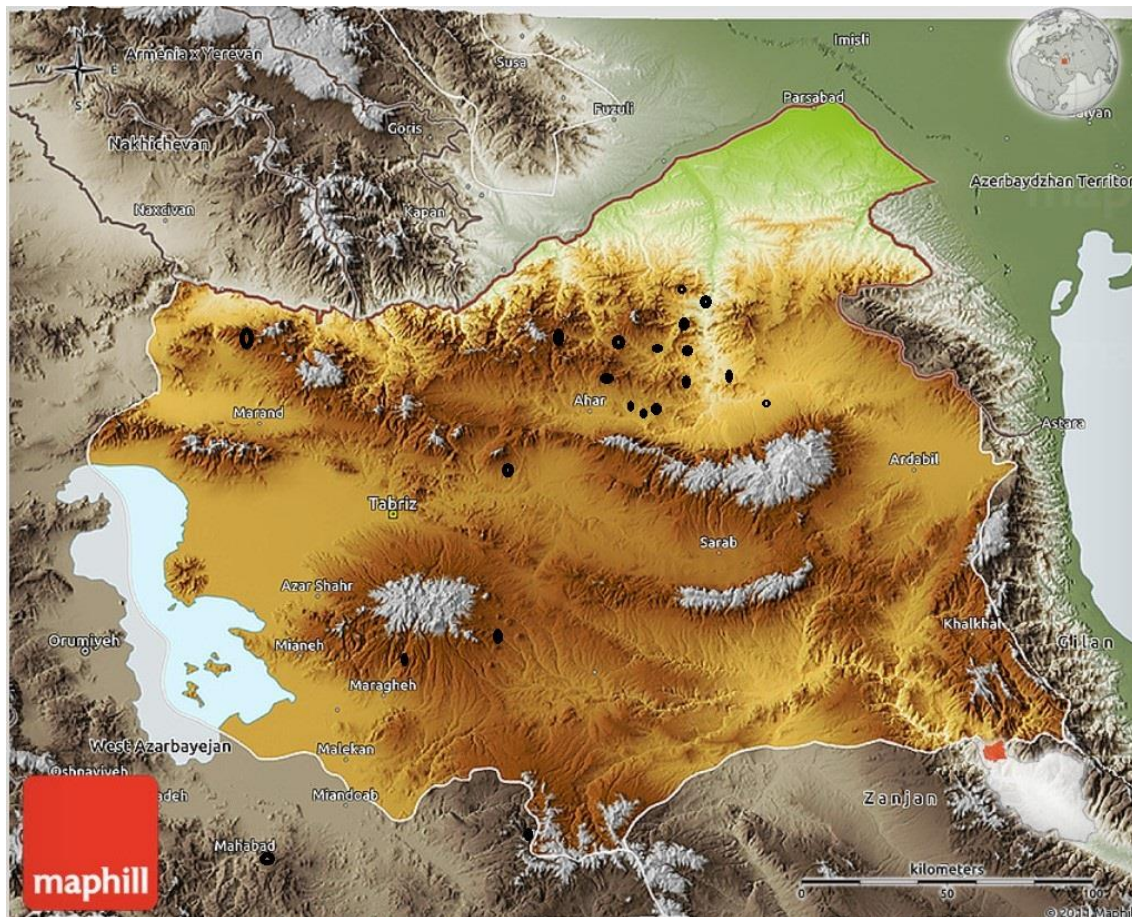
جدول ۱: پیشینه مطالعات سنگ‌نگاره‌های شمال غرب ایران (نگارندگان، ۱۴۰۴)

محوطه	شهرستان	پژوهشگر	سال
قوشا داش	ورزقان	رفیع‌فر	۱۳۸۱
لیقلان	هوراند	رفیع‌فر	۱۳۸۳
شهریری	مشگین‌شهر	هورشید	۱۳۸۶
خره هنجیران	مهاباد	محمدیان قصیدیان و نادری	۱۳۸۶
نواسر	هوراند	کریمی	۱۳۹۱
مشیران	مشگین‌شهر	بیننده و فتاح‌زاده	۱۳۹۴
عقربلو	شاهین‌دژ	Binandeh	2016
مشیران	مشگین‌شهر	Kazemi et al	2016
دوز داغی	اهر	Kazempur et al,	۲۰۱۱
عقربلو	شاهین‌دژ	معروفی اقدام و همکاران، Marufi Aghdam et al	۱۳۹۷ و 2021
دوه دره‌سی	هوراند	ستارنژاد و همکاران	۱۳۹۹
او دره‌سی	هوراند	درخشی و ستارنژاد	۱۴۰۲
هوراند	هوراند	آجورلو و همکاران	۱۴۰۲
هوراند	هوراند	ابطحی و سلمان‌پور	۱۴۰۲
قوشا داش	ورزقان	Narimani et al	2023
قوناق قیران	اردبیل - مشگین‌شهر	Almasi et al	2025

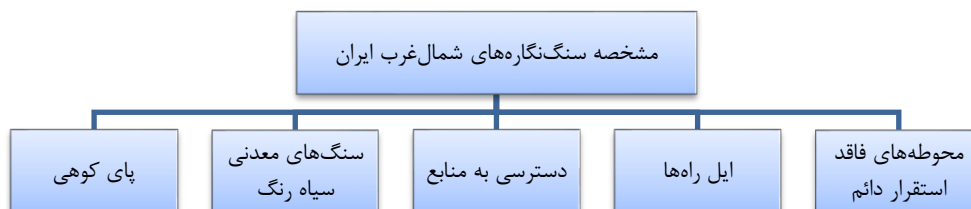
موقعیت جغرافیایی

منطقه شمال غرب ایران که امروزه به ترتیب از سمت غرب به شرق عبارتند از: استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و اردبیل می‌باشد که از دیدگاه طبیعی بخشی از فلات وسیعی است که هم‌اکنون بین سه کشور ایران، ترکیه و شوروی (سابق) تقسیم شده است. نجد آذربایجان ایران به منزله کاسه فولادین مضرسی است که دیواره‌های آن را رشته

این محوطه‌ها، سنگ‌نگاره‌ها در مناطقی ایجاد شده‌اند که در نزدیکی رودخانه دره‌رود و قره سو قرار دارند. همچنین نزدیکی به ایل‌راه‌ها نیز یکی دیگر از عوامل مهم در مکان‌گزینی این نگاره‌ها محسوب می‌شود. به طور کلی مهم‌ترین مشخصه سنگ‌نگاره‌های شمال غرب ایران را می‌توان شامل موارد زیر در نظر گرفت.



شکل ۱: موقعیت جغرافیایی شمال غرب ایران و پراکنش سنگ‌نگاره‌ها (نگارندگان، ۱۴۰۴)



شکل ۲: مشخصه سنگ‌نگاره‌های شمال غرب ایران (نگارندگان، ۱۴۰۴)

است. حتی بر روی نقوش سفالین منطقه نیز، نگاره‌های حیوان بز به وفور قابل مشاهده باشد. با ورود به عصر آهن در شمال غرب تغییراتی در الگوهای استقرار منطقه دیده می‌شود. هرچند چشم‌انداز کلی این منطقه اجازه نمی‌دهد به صورت یکنواخت آن را مورد مطالعه قرار داد با این حال بایستی به صورت درون منطقه‌ای بررسی و مطالعه شوند. کلیات امر نشان می‌دهد که با ورود به عصر آهن تغییراتی در الگوهای استقرار به خصوص در نواحی کوهستانی منطقه اتفاق می‌افتد که مهم‌ترین ویژگی آن عدم استقرارهای عصر آهن در برخی نواحی دشتی مانند منطقه اردبیل است. در قسمت‌های شرقی منطقه شمال غرب ایران، به خصوص استان اردبیل و قره داغ الگوهای استقرار عصر آهن در نواحی کوهستانی و روی کوه‌ها و پشته‌ها شکل گرفته‌اند و استقرارها غالباً به شیوه استحکامات دفاعی بوده و الگوی معیشت نیز بیشتر متکی به فعالیت‌های دامداری است. آنچه مشخص است سنگ‌نگاره‌های شناسایی شده در منطقه شمال غرب بدون هیچ ارتباطی با استقرار دائم شکل گرفته‌اند و از نظر معیشتی نیز وابسته به گروه‌های کوچ‌رو عصر آهن منطقه هستند. برای راستی‌آزمایی فرضیه فوق شاید چنانچه جامعه آماری بیشتر و دقیق‌تر در اختیارمان قرار گیرد بهتر بتوان به نتیجه‌گیری رسید.

گونه‌شناسی

سنگ‌نگاره‌های شمال غرب ایران از نظر نقشمایه، سبک ایجاد می‌توان در دسته‌های مختلف طبقه‌بندی کرد. از نظر سبک ایجاد این آثار به دو شیوه کوبشی و خراش روی بستر صخره یا سنگ ایجاد شده‌اند (درخشی و ستارنژاد، ۱۴۰۲: ۱۹۹). در روش کوبشی که با کوبیدن ابزار فلزی یا سنگ‌های که سختی بیشتری نسبت به بستر دارند ایجاد شده‌اند. بیشتر نقوش به این شیوه طراحی شده‌اند. اما در برخی موارد نیز نقوش به شیوه خراش و با کشیدن ابزار فلزی یا بعضاً سنگ روی تخته‌سنگ‌های سیاه ایجاد شده‌اند. از نظر نقش‌اندازی نیز نگاره‌ها به دو شیوه توپر و خطوط ساده طراحی شده‌اند. در شیوه نقشمایه توپر تمامی بدنه نقش توپر طراحی شده اما در

سنگ‌نگاره‌های شمال غرب ایران

منظور از شمال غرب ایران در مقاله حاضر شامل استان‌های آذربایجان غربی و شرقی و اردبیل است. در این منطقه شماری محوطه واجد نقوش صخره‌ای تاکنون شناسایی شده است. در این میان سهم شهرستان مشگین‌شهر نسبت به سایر مناطق نسبتاً بیشتر است. در پرتوی فعالیت‌های باستان‌شناسی منطقه شمال غرب ایران تاکنون در شهرستان‌های مشگین‌شهر (شیخ‌مدی، شهریری، مشیران، داش، قوناق قیران، چاخیرچیمن، قلعه جوق، گیلر محمد حسن، ملالو)، اهر (دوزداغی)، هوراند (دوه دره‌سی، او دره‌سی، گوتانلو، لیقان، زر دره‌سی)، ورزقان (قوشا داش)، مراغه، شاهین‌دژ (عقربلو)، جلفا (کچی قالاسی)، مهاباد (خره‌هنجیران) شماری نقوش صخره‌ای کشف و شناسایی و معرفی شده است (شکل ۲). سنگ‌نگاره‌های معرفی شده عموماً از نظر زیست‌محیطی و جغرافیایی مناطق کوهستانی و پای‌کوهی هستند که در مجاورت منابع آبی قرار دارند. مانند آنچه در نواسر یا مشیران به وضوح می‌توان مشاهده کرد. در این محوطه‌ها، سنگ‌نگاره‌ها در مناطقی ایجاد شده‌اند که در نزدیکی رودخانه دره‌رود و قره‌سو قرار دارند. همچنین نزدیکی به ایل‌راه‌ها نیز یکی دیگر از عوامل مهم در مکان‌گزینی این نگاره‌ها محسوب می‌شود. به طور کلی مهم‌ترین مشخصه سنگ‌نگاره‌های شمال غرب ایران را می‌توان شامل موارد زیر در نظر گرفت.

با در نظر گرفتن عوامل فوق به نظر می‌رسد خالقان این آثار به گروه‌های اجتماعی وابسته بودند که از دسترسی به منابع برایشان بسیار مهم بوده است. همچنین نبود استقرار در پیرامون آن‌ها نیز یکی دیگر از نکات بسیار مهم و کلیدی در مطالعات الگوی پراکنش سنگ‌نگاره‌ها محسوب می‌شود. بنابراین با در نظر گرفتن چنین مشخصه‌های شاید بتوان این آثار را متعلق به جوامع کوچ‌رو یا کوچ‌نشین مناطق کوهستانی در نظر گرفت که همانند گورستان‌های فاقد استقرار مانند فخرآباد، خرم‌آباد (رضالو آیرملو، ۱۳۹۳)، قیزیل‌قیه هستند. می‌توان گفت بخشی از الگوی معیشتی جوامع به‌وجود آورنده همین نقوش صخره‌ای متکی به فعالیت‌های دامداری بوده



شکل ۴: نقش مایه سنگ نگارهای شمال غرب ایران (نگارندگان، ۱۴۰۴)

نقش مایه انسانی

نقش انسان در نگاره‌های شمال غرب ایران عموماً به صورت ساده و از روبه‌رو نقش شده‌اند. انسان در این نگاره‌ها در حال شکار با ابزار، در حال انجام مراسم (آیینی!)، همراه با نقوش جانوری و نمادین موضوعات کلی نگاره‌های انسانی را تشکیل می‌دهند (درختی و ستارنژاد، ۱۴۰۲: ۲۰۷). اکثر فیگورهای انسانی با توجه به نشانه مردانگی متعلق به تصاویر مردان است؛ و تنها در میان مجموعه نگاره‌های او دره‌سی فیگورهای انسانی یک مورد از نقوش به سبب نداشتن علایم مردانگی و نوع طراحی متفاوت نسبت به سایر نقوش انسانی، به‌عنوان جنس مؤنث تشخیص داده شده است (درختی و ستارنژاد، ۱۴۰۲: ۲۰۸)، (شکل ۵). در سایر محوطه‌ها شواهدی از نگاره زنان دیده نمی‌شود. نقش انسان در سنگ‌نگاره‌های شمال‌غرب ایران در حالت‌های مختلف ایجاد شده است. تعداد نقوش انسانی نسبت به نگاره حیوانی کمتر می‌باشد. نقش‌مایه انسان در سنگ‌نگاره‌های شمال غرب ایران در حالت‌های مختلف ترسیم شده‌اند.

الف) انسان سوارکار: در این نگاره انسانی اسب سوار را نشان می‌دهد که در دست راست خود ابزاری شبیه به شمشیر دارد و دست چپ خود را رو به جلو برده که در کنار این نگاره، نقش بز ترسیم ایجاد شده است. این نقوش به صورت ساده و با حداقل خطوط و بدون نمایش حجم ارائه شده‌اند. نمونه‌های از این نگاره در محوطه شهر یری، ملالو قابل مشاهده است. مانند آنچه در مجموعه شهر یری، قلعه جوق و ملالو می‌توان مشاهده کرد. ب) انسان پیاده: انسان پیاده در نگاره‌های گیلر محمد حسن، چاغیرچمن، شهریری، قوناق قیران،

گونه دوم تنها با خطوط ساده طراحی کرده‌اند. گونه نخست مربوط به شیوه نقش اندازی کوبشی بوده و نوع دوم نیز مربوط به شیوه خراش است (شکل ۳).



شکل ۳: ترسیم شیوه کوبشی و خراش نگاره‌ها (نگارندگان، ۱۴۰۴)

موضوع

بسیاری از نقوش در اثر سیاه شدن سطح سنگ‌ها گم شده‌اند. از این نظر می‌توان گفت: این نگاره‌ها در چند دوره ایجاد شده‌اند و نسبت به همدیگر تقدم و تأخر زمانی دارند. بررسی تحلیلی کنده‌نگاره‌ها براساس نمونه‌هایی که قابل برداشت می‌باشند، ریخت‌ها و گونه‌های مختلف اشیاء، جانداران، ابزار و نمادهای حک شده روی سنگ‌ها را نشان می‌دهند. این نقش‌مایه‌ها در اکثر موارد به شکل نقش مایه و نامرتبط به یکدیگر و در برخی از موارد به صورت پانل می‌باشند. صحنه‌های ایجاد شده روی تخته‌سنگ‌ها شامل صحنه‌های چون گله حیوانات به خصوص حیوان بز، شکار، مراسم آیینی و تک صحنه‌های حیوانی است. نقش‌مایه‌ها نیز شامل حیوانات مختلف، انسان و نمادین و هندسی است. این نگاره‌ها در نقش‌مایه‌های زیر قابل دسته‌بندی است (شکل ۴).

۶). این نگاره‌ها عموماً در قسمت فوقانی سنگ‌ها و نسبت به سایر نگاره‌های صحنه‌ها در قسمت فوقانی تخته سنگ‌ها ترسیم شده‌اند. نقوش نمادین به توجه به موقعیت قرارگیری و همچنین نوع آن‌ها به نظر با جنبه اعتقادی بشر ارتباط دارد. به طوری که چنین نگاره‌ها روی ظروف سفالین، معماری و حتی سایر آثار نیز دیده می‌شود. بنابراین می‌توان چنین برداشت نمود که طراحان این آثار تلاش می‌کردند با طراحی نگاره‌های هندسی به خصوص چلیپا و دایره بار اعتقادی و تأثیرات اعتقادی و ماورایی در امر شکار یا چرای دام از جنبه حفاظت را تأمین کنند. تعداد این نقوش در کل محوطه‌ها به دلیل عدم شمارش دقیق نامشخص است. اما به طور کلی از نظر جامعه آماری پایین‌تر از نگاره حیوانی می‌باشد. این نگاره‌ها در اندازه‌های مختلف ترسیم شده‌اند. نمونه این نقوش در بین نقش‌مایه‌های محوطه قوشاداش ارسباران (رفیع‌فر، ۱۳۸۵: ۵۹)، مشیران (بیننده و فتاح‌زاده، ۱۳۹۴: ۳)، دوه‌دره‌سی (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۹)، قوشا داش ورزقان (Narimani et al., 2023)، عقربلو (معروفی اقدم و همکاران، ۱۳۹۷)، او دره‌سی (درخشی و ستارنژاد، ۱۴۰۲)، دوز داگی اهر (Kazempur et al., 2011: 386)، داش کریمی‌کیا و همکاران، ۱۴۰۲) قابل مشاهده است.

قلعه جوق؛ ایجاد شده است. در این نگاره‌ها انسان در حالت‌های مختلف از قبیل چرای حیوانات، شکار و حالت دسته‌جمعی که به‌نظر می‌رسد در حال اجرای مراسم آیینی - مذهبی هستند. در برخی از نگاره‌ها، دست‌های انسان رو به بالا با ابزار و بدون ابزار ترسیم شده‌اند. مثلاً در شهریری انسان دارای ابزار بوده و در شیخ مدی حالت نیایش یا اجرا رقص ترسیم شده‌اند. نقوش به‌صورت تمام رخ و ساده ترسیم شده‌اند. در دست یکی از انسان‌ها ابزاری شبیه به چوب دستی بلند دیده می‌شود که قسمت انتهایی آن به خطوط گرد و محصور متصل بوده و با دو دست خود در بالای سرش در حالت انداختن یا پرتاب نگه داشته است. با توجه به حالت نگاره به‌نظر می‌رسد صحنه مربوط به شکار بز کوهی است. به‌طور کلی نقوش انسانی شمال غرب ایران در محوطه‌های از قبیل شیخ مدی، او دره‌سی (درخشی و ستارنژاد، ۱۴۰۲)، دوه‌دره‌سی (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۹)، قوشا داش ورزقان (Narimani et al., 2023)، ارسباران (رفیع‌فر، ۱۳۸۵: ۵۴)، دوزداگی (Kazempur et al., 2011: 386)، مشیران، نوقادا (ابطحی فروشان و سلمان‌پور، ۱۴۰۲)، زر دره‌سی و گوتانلو هوراند (آجورلو و همکاران، ۱۴۰۲) داش، شیخ مدی دیده می‌شود.



شکل ۶: نقش‌مایه هندسی و نمادین قره‌سو (کریمی‌کیا و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۱)



شکل ۵: نگاره انسانی در محوطه نوقادا (آجورلو و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۸)

نقش‌مایه هندسی - نمادین

در میان نگاره‌های شمال غرب شواهدی از اشکال ساده یا نامشخص هندسی طراحی شده است. این نقوش به‌صورت چلیپا، دایره، مربع و نقوش نامشخص ایجاد شده‌اند (شکل

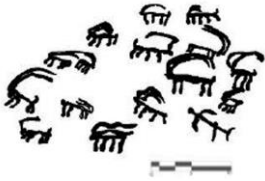
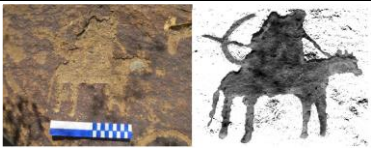
نقش‌مایه حیوانی

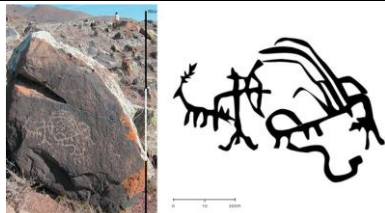
مانند شتر در مجموعه نوقادا، زردرسی و دوه دره‌سی هوراند مرتبط هستند (جدول ۲).

از دیگر نگاره‌های حیوانی شاخص در محوطه‌های مشگین‌شهر، بایستی به نگاره گوزن اشاره کرد. این حیوان با شاخ‌های بلند و خاردار به تصویر کشیده شده است؛ نمونه‌های از این گونه نقش در محوطه قلعه جوق دیده می‌شود. شاخ‌های حیوان برخلاف بزهای کوهی یا اهلی دارای چند شاخ می‌باشد. همچنین در نگاره‌های مشگین‌شهر تصاویری از اسب به تصویر کشیده شده است؛ که به طور کلی این نقوش در حالت‌های مختلف از قبیل شکارگاه یا چراگاه ترسیم شده‌اند. در ترسیم نقش بز همانند سایر مناطق در ترسیم شاخ‌ها اغراق شده است. نقش اسب در کنار سوارکار ترسیم شده و سایر نقوش عموماً به صورت منفرد یا دسته‌جمعی ایجاد شده‌اند. به‌طور کلی نقوش مشگین‌شهر به شیوه ساده و استیلیزه ایجاد شده‌اند. نقوش صرفاً به صورت خطوط ساده بوده و فاقد حجم هستند.

براساس نتایج مطالعات منتشر شده تصاویر حیوانات بیشترین حجم نقوش را شامل می‌شوند. به‌طور دقیق تعداد نقش‌ها را نمی‌توان بیان کرد چرا که بسیاری از طرح‌ها به‌علت فرسایش و کنده شدن به‌وسیله انسان و سایر عوامل طبیعی قابل تشخیص نمی‌باشند. و در عین‌حال در بسیاری از مطالعات نیز به تعداد نقش‌مایه‌ها اشاره‌ای نشده است. سنگ‌نگاره‌ها به صورت کلی به روش‌های مختلفی طراحی شده‌اند و انواع گوناگونی از جانوران وحشی و اهلی را شامل می‌شوند. همه حیواناتی که روی سنگ‌نگاره‌ها تصاویر آنها کنده شده است جزء حیوانات بومی منطقه بوده‌اند یا قبلاً در این منطقه زندگی می‌کردند که بعداً از بین رفته‌اند. حیوانات طراحی شده گاهی به‌شکل منفرد و گاهی نیز در رابطه با انسان بوده‌اند. حیوانات ترسیم شده روی سنگ‌نگاره‌های منطقه شمال غرب ایران به نوعی با زندگانی انسان ارتباط تنگاتنگی داشته‌اند و بخشی از آن با مقوله شکار مانند آنچه در مجموعه دوه دره‌سی (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۹)، یا در مسأله معیشت مردم

جدول ۲: مشخصات نقوش صخره‌ای نگاره‌های حیوانی شمال غرب ایران (نگارندگان، ۱۴۰۴)

حیوان	محوطه	تصویر منتخب	منبع تصویر
بز	شهریری، قوناق قیران، مشیران، گیلر محمد حسن، شیخ مدی، داش، چاخیر چیمین، خره هنجیران، جلفا، مراغه، او و دوه دره‌سی، لیقان، قوشاداش، گوتانلو، عقربلو		(بیننده و فتاح‌زاده، ۱۳۹۴)
اسب	عقربلو، دوه دره‌سی		معروفی اقدام و همکاران، ۱۳۹۷
گر به/سگ-سان	داشلی سرا و گوتانلو، ملالو		نگارندگان، ۱۴۰۳
شتر	نوقادا و زر دره‌سی هوراند		(ابطحی فروشان و سلمان-پور، ۱۴۰۲).

آهو	گوتانلو		(ابطحی فروشان و سلمان- پور، ۱۴۰۲).
گوزن	نوقادا، داشلی سرای هوراند		(ابطحی فروشان و سلمان- پور، ۱۴۰۲).
مار	دوزداغی اهر،		(Kazempur et al., 2011: 386)

گاه‌نگاری

مثلاً گاه‌نگاری نقوش صخره‌ای عقربلو شاهین‌دژ را سلیمی

و همکاران چنین نوشته‌اند: «... از لحاظ زمانی، می‌توان نقوش عقربلو را در یک بازه زمانی از یک مقطع نامشخص در دوران پیش‌ازتاریخ تا هزاره اول ق.م. تاریخ‌گذاری کرد» (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۳). یا آجورلو و همکاران، گاه‌نگاری سنگ‌نگاره‌های هوراند را متعلق به دوران نوسنگی، تاریخی و حتی اسلامی در نظر گرفته‌اند. چنین شیوه گاه‌نگاری برای نقوش صخره‌ای دوزداغی اهر (Kazempur et al., 2011: 384) نیز مطرح شده است (جدول ۳).

گاه‌نگاری یکی از چالش‌های اساسی و در عین حال ضعف و کاستی در مطالعات سنگ‌نگاره‌ها در ایران محسوب می‌شود. به طوری که در مطالعات مربوط به هنر صخره‌ای ایران برخلاف سایر مناطق (Oregan et al., 2019: 132) تاکنون مطالعات تاریخ‌سنجی و باستان‌سنجی انجام نشده و همین عامل سبب گردیده است تا گاه‌نگاری‌های مختلف برای نگاره‌ها مطرح شود. به عنوان مثال پژوهشگران در برخی موارد به صورت کلی از اصطلاح دوران پیش‌ازتاریخ، تاریخی و بعضاً اسلامی برای گاه‌نگاری این نقوش استفاده کرده‌اند.

جدول ۳: گاه‌نگاری سنگ‌نگاره‌های شمال غرب ایران (نگارندگان، ۱۴۰۴)

محوطه	استان	شهرستان	گاه‌نگاری پیشنهادی	صحنه‌ها	منبع
خره هنجیران	آذربایجان غربی	مهاباد	هزاره اول ق.م	انسان، بز، سگ، اسب-سان	محمدی قزیریان و نادری، ۱۳۸۶
عقربلو	آذربایجان غربی	شاهین‌دژ	پیش‌ازتاریخ- هزاره اول ق.م	بز، اسب سان، لوزی، تیرو کمان، مار، قورباغه، لوزی، مثلث	سلیمی و همکاران، ۱۳۹۹ معورفی اقدم و همکاران، ۱۳۹۷

لقلان	آذربایجان شرقی	هوراند	نامشخص	انسان، بز، آهو، نقوش هندسی	رفیع‌فر، ۱۳۸۵
چای پاره	آذربایجان شرقی	هوراند	نوسنگی - اسلامی	انسان، بز، اسب سان و هندسی	آجورلو و همکاران، ۱۴۰۲
اودرسی	آذربایجان شرقی	هوراند	هزاره دوم و اول ق.م.	انسانی، حیوانی و هندسی	درخشی و ستارنژاد، ۱۴۰۱
دوه درمسی	آذربایجان شرقی	هوراند	هزاره اول و دوم ق.م.	اسب، انسان، نقوش هندسی، مار، آهو	ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۹
گچی قالاسی	آذربایجان شرقی	جلفا	-	حیوانی و هندسی	پرونده ثبت ملی
بستان آباد	آذربایجان شرقی	بستان آباد	نامشخص	حیوان بز، نقوش هندسی	آرشیو میراث فرهنگی
قوش‌داش	آذربایجان شرقی	ورزقان	مفرغ جدید و هزاره اول ق.م.	بز، انسان، چلیپا، نقوش هندسی	Narimani et al., 2022
مراغه	آذربایجان شرقی	مراغه	نامشخص	حیوان بز	آرشیو میراث
دوزداغی	آذربایجان شرقی	اهر	پیش از تاریخ - اسلامی	انسان، بز، هندسی	Kazempur et al., 2011
اردبیل	اردبیل	اردبیل	نامشخص	انسان، حیوان، هندسی - نمادین	آرشیو میراث فرهنگی
فوناق فیران	اردبیل	اردبیل - مشگین	عصر آهن ۱ و ۲	انسانی، حیوانی و نمادین	Almasi Peyman et al., 2024

نتیجه‌گیری

برآیند کلی پژوهش نشان می‌دهد که منطقه آذربایجان یکی از کانون‌های مهم در مطالعات سنگ‌نگاره‌های ایران محسوب می‌شود. هرچند تاکنون مطالعات منسجم پیرامون این آثار در منطقه شمال غرب ایران انجام نشده است اما با تکیه بر مطالعات غیرمنسجم باستان‌شناسی تاکنون در شهرستان‌های مشگین‌شهر، اهر، هوراند، ورزقان، مهاباد، مراغه، شاهین‌دژ، جلفا شماری نقوش صخره‌ای شناسایی و معرفی شده است. این نگاره‌ها در مناطق ایجاد شده‌اند که از نظر دسترسی به منابع و همچنین ایل‌راه‌ها بسیار مساعد بوده و همچنین از نظر پراکنش نیز عموماً در مناطق پای‌کوهی قرار دارند. چنین ویژگی‌های سبب گردید تا این نگاره‌ها را با جوامع کوچ‌رو مرتبط دانست. همچنین نتایج دیگر پژوهش مشخص نمود که سنگ‌نگاره‌های مورد مطالعه از نظر سبک و موضوع شامل نگاره‌های حیوانی (بز اهلی و کوهی، غزال، مار، شتر و اسب و گربه/سگ سان)، انسانی (پیاده و سواره)، هندسی نمادین (مثلث، چلیپا، مربع، دایره و نامشخص) است. این نگاره‌ها به دو شیوه کوبشی و خراش روی بستر صخره و سنگ ایجاد شده‌اند. در رابطه با گاه‌نگاری ارائه شده برای نقوش صخره‌ای شمال غرب ایران به خصوص منطقه قره داغ هرچند پژوهشگران بازه زمانی دوران پسا نوسنگی تا اسلامی متأخر را مطرح کرده‌اند اما به نظر می‌رسد غالب این نقوش در دوران هزاره دوم و اول ق.م. (عصر آهن ۱ و ۲) ایجاد شده‌اند و به صورت یک کهن‌الگو تا دوران اسلامی متأخر ادامه یافته‌اند. بی‌شک پژوهش حاضر گام نهایی برای مطالعات سنگ‌نگاره‌های شمال غرب ایران نبوده بلکه مقدمه‌ای برای مطالعات منسجم آتی است و امید می‌رود در آینده شاهد مطالعات بیشتر و بهتر در رابطه با این موضوع باشیم تا به خوبی بتوان هنر مذکور را مورد مطالعه و تفسیر قرار داد.

آنچه مشخص است پژوهشگران با تکیه صرف بر موضوعات و سبک‌شناختی به ارائه گاه‌نگاری پرداخته‌اند. این در حالی است که نگاره‌ها می‌تواند به صورت یک کهن‌الگو در دوره‌های مختلف مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین برای دست‌یابی به گاه‌نگاری دقیق‌تر ضروری است تا ضمن توجه به سبک‌شناختی به چشم‌انداز محیطی و یافته‌های فرهنگی نیز توجه شود. به عنوان نمونه سنگ‌نگاره‌های قوناق قیران از نظر سبک‌شناختی و موضوعات قابل مقایسه با محوطه‌های چون لقلان هوراند (رفیع‌فر، ۱۳۸۳: ۱۲۰)، قوشاداش ارسباران، دوزداغی اهر (Kazempur et al., 2011: 386)، خره‌هنجیر (قصیدیان و نادری، ۱۳۸۶: ۶۴)، عقربلو (Binandeh, 2016: 14)، شهربئری (هورشید، ۱۳۸۶)، ارگس همدان (بیک‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۰)، ازندریان همدان، مشیران، گمی قایا نجوان (Aliyev, 2003: 696)، عقربلو (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۹: معروفی اقدام و همکاران، ۱۳۹۷)، قوشاداش ورزقان (Narimani et al., 2023)، است. در این صورت بایستی گاه‌نگاری‌های چون دوران نوسنگی، دوران پیش‌ازتاریخ، تاریخی و حتی اسلامی می‌توان ارائه کرد. این در حالی است که در این محدوده از نظر چشم‌انداز محیطی قلعه و گورستان تاریخی از عصر آهن ۱ و ۲ دیده می‌شود. بنابراین منطقی به نظر می‌رسد این نقشمایه‌ها در بازه زمانی عصر آهن (۱ و ۲) ایجاد شده باشد. چرا که هیچ نشان و تعلق از دوران نوسنگی، دوران تاریخی (اشکانی و ساسانی) و حتی اسلامی که آنچه در گاه‌نگاری نقوش صخره‌ای دوزداغی اهر، عقربلو و هوراند ذکر شده در این مجموعه دیده نمی‌شود. بنابراین تکیه صرف بر موضوع و سبک نگاره‌ها یکی از ضعف‌ها و کاستی‌های مطالعات پیشین بوده که نیازمند بازنگری اساسی است. با استناد به نتایج مطالعات انجام شده در باره گاه‌نگاری سنگ‌نگاره‌های شمال غرب ایران به نظر می‌رسد غالب این نگاره‌ها در بازه زمانی عصر آهن ۱ و ۲ ایجاد شده‌اند.

منابع

- Abdollahi, S., Afkhami, B., & Rezaloo, R. (2024). Kurgan of Fakhrabad, Meshkinshahr, northwest Iran. *Persica Antiqua*, 4(6), 3–15.
- Aliyev, V. G. (2003). Les gravures rupestres de Gemigaya (Azerbaïdjan). *L'Anthropologie*, 107(5), 695–700.
- Binandeh, A. (2016). Looking at rock art in the northwest of Iran. *International Journal of Archaeology*, 4(1), 12–17.
- Gillette, D. L., Greer, M., Hayward, M. H., & Murray, W. B. (2014). Introduction to rock art and sacred places. In *Rock art and sacred landscapes* (pp. 1–10). Springer.
- Kazempur, M., Eskandari, N., & Shafizade, A. (2011). The petroglyphs of Dowzdaghi, northwestern Iran. *Documenta Praehistorica*, 38(1), 383–387.
- Narimani, M., Afkhami, B., & Rezaloo, R. (2023). An investigation and analysis of the petroglyphs of Qoshadash, Sungun, Varzeqan (NW Iran). [Manuscript submitted for publication / Unpublished manuscript].
- O'Regan, G., Petchey, F., Wood, R., McAlister, A., Bradshaw, F., & Holdaway, S. (2019). Dating South Island Māori rock art: Pigment and pitfalls. *Journal of Archaeological Science: Reports*, 24, 132–141.
- Almasipeyman, Z., Derakhshi, H., Ghorbani, H. R., & Alizadeh, H. (2024). Newfound petroglyphs of Qonaq Qiran, Ardabil, NW Iran. *Iranian Journal of Archaeological Studies*, 14(2), 93–102.
- آجورلو، بهرام، ابطحی فروشانی، سیده‌زهرا، سلمانپور، رضا. (۱۴۰۲). گاه‌شناسی نسبی و کارکرد سنگ‌نگاره‌های بخش هوراند شرقی قراداغ، شمال‌غربی فلات ایران. هنر و تمدن شرق، ۱۱(۴۲)، ۴۱–۳۰.
- ابطحی فروشانی، زهرا، سلمانپور، رضا. (۱۴۰۲). ارزیابی محتوایی و آماری فرم، سبک و گاه‌نگاری نسبی سنگ‌نگاره‌های هوراند، آذربایجان شرقی. سرزمین پارس آیین، ۹(۱۰)، ۳۴–۴۹.
- افخمی، بهروز، معروفی‌اقدم، اسماعیل، حسینی‌نیا، مهدی، طهماسبی، فریبرز، گرانند، افراسیاب. (۱۳۹۷). بررسی و مطالعه تطبیقی نقوش صخره‌ای عقربلو با نقوش صخره‌ای غار کرفتو. فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی، ۱۰(۳۷)، ۱۶۲–۱۳۳.
- بیک‌محمدی، خلیل‌الله، جانجان، محسن، بیک‌محمدی، نسرین. (۱۳۹۱). معرفی و تحلیل سنگ‌نگاره‌های نویافته مجموعه B ارگس سفلی ملایر همدان. نامه باستان‌شناسی، ۲(۲)، ۱۴۰–۱۲۱.
- درخش، حسن، ستارنژاد، سعید. (۱۴۰۲). نقوش صخره‌ای اودره‌سی شهرستان هوراند استان آذربایجان شرقی. نامه انسان‌شناسی، ۲۰(۳۶)، ۱۹۹–۲۱۴.
- رضالو، رضا، آیرملو، یحیی. (۱۳۹۶). حضور سکاها در شمال‌غرب ایران: مطالعه موردی گورستان خرم‌آباد مشکین‌شهر، اردبیل. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۷(۱۳)، ۶۴–۴۵.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین. (۱۳۸۵). سنگ‌نگاره‌های راسباران: پژوهش در مردم‌شناسی و باستان‌شناسی هنر. تهران: [نام ناشر].
- ستارنژاد، سعید، عبدالهی، سیاوش، کریمی، کیومرث، نریمانی، مصیب. (۱۳۹۹). معرفی سنگ‌نگاره‌های دوه‌دره‌سی شهرستان هوراند آذربایجان شرقی. پژوهش هنر، ۱۰(۱۹)، ۶۹–۵۵.
- سلیمی، اسماعیل، صلح‌جو، جمیل، رضایی، ایرج. (۱۳۹۹). مطالعه نقوش صخره‌ای عقربلو در شهرستان شاهین‌دژ. باستان‌پژوهی، ۱۹، ۱۵۱–۱۳۸.
- شیخ‌اکبری‌زاده، سمیرا، امیرحاجیلو، سعید، عرب، حسنعلی. (۱۳۹۲). مطالعه تفسیرگرایانه صخره‌نگاره‌های نویافته زه-کلوت جازموریان. مطالعات ایرانی، ۱۲(۲۴)، ۲۱۵–۱۹۵.
- کریمی‌کیا، علی، میرزایی، محمد، عبدالهی، سیاوش، ستارنژاد، سعید، کریمی، بهنام. (۱۴۰۱). نقوش صخره‌ای مشکین‌شهر. باستان‌پژوهی، ۱۹(۱)، ۹۵–۸۰.
- محمدی قصیدیان، سیروان، نادری، رحمت. (۱۳۸۶). بررسی و مطالعه نقوش صخره‌ای خرده‌نجیران مهاباد. باستان‌پژوهی، ۳(پیاپی)، ۷۳–۶۱.
- هورشید، شقایق. (۱۳۸۶). معرفی نقوش صخره‌ای شهریری. باستان‌پژوهی، ۳(۱)، ۲۶–۱۸.